



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

## همگرایی انگلیس و آمریکا و تضعیف اتحادیه اروپا (عدم تحقق آرزوهای ترامپ و جانسون)



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

**پژوهشگر: مهدی ناجی**

۱	■ مقدمه
۱	■ رای به خروج
۱	■ پیامدهای خروج
۲	■ ناتوانی انگلیس و اروپا برای دستیابی به توافق خروج
۲	■ حمایت ترامپ از جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا
۳	■ تلاش انگلیس برای امضای موافقت تجارت آزاد
۳	■ گرایش انگلیس به همکاری با آمریکا و کاهش پیوندهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی با اتحادیه اروپا
۴	■ کلام آخر



در سال ۲۰۱۵ میلادی بود که «دیوید کامرون» نخست وزیر وقت انگلیس و رهبر پیشین حزب محافظه کار پیش از انتخابات سراسری به مردم این کشور وعده داد همه پرس‌های جدایی از اتحادیه اروپا برگزار خواهد کرد. هدف کامرون در آن مقطع زمانی مقابله با بحران مهاجرت و کنترل بر مرزها به منظور توقف آمد و شد آسان مهاجران به ویژه از کشورهای فقیر اروپایی بود که فشار زیادی را بر دولت محافظه کار انگلیس وارد می‌کرد. اما نتیجه همه پرس‌های انگلیس از اتحادیه اروپا موجب شگفتی شد و کامرون که از حامیان ماندن در اتحادیه اروپا بود، بعد از رای مردم به خروج از اتحادیه اروپا، از رهبری حزب حاکم محافظه کار کناره‌گیری کرد و در نتیجه از نخست وزیری انگلیس کناره‌رفت و ترزا می جای او را گرفت. بر اساس نتیجه انتخابات ۲۳ ژوئن سال ۲۰۱۶ (۳ تیر ۱۳۹۵) در انگلیس، ۱۷،۴ میلیون نفر (۵۱،۹ درصد رأی‌دهندگان) به خروج و ۱۶،۱ میلیون نفر (۴۸،۱ درصد) به ماندن رأی دادند.

نکته قابل توجه اینکه برگزیت عملاً موجب نزدیک شدن بیشتر انگلیس به آمریکا و فاصله گرفتن این جزیره از اروپای قاره‌ای شده است. انگلستان هم اکنون انعقاد پیمان تجاری دوجانبه با آمریکا را در اولویت‌های راهبردی خود قرار داده است. موضوعی که آمریکا هم از آن استقبال می‌کند. ترامپ از ماه‌ها پیش از برگزاری همه‌پرسی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا مدافع برگزیت بوده است و هیچ‌گاه نگرش منفی خود را نسبت به نهادهای فراملی چون اتحادیه اروپا مخفی نکرده است. ترامپ همواره وعده داده است که پس از خروج، انگلستان در اولویت انعقاد پیمان تجاری دوجانبه با آمریکا قرار خواهد گرفت. با این حال نباید فراموش کرد انگلیس برای آمریکا شریک تجاری کوچکی محسوب می‌شود. در روابط تجاری آمریکا با ۴۳ اقتصاد بزرگ دنیا، سهم صادرات آمریکا به انگلستان، تنها نزدیک به ۵ درصد است حال آنکه سهم بقیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا نزدیک به ۲۱ درصد است.

از سوی دیگر پایه اروپایی سیاست خارجی انگلیس در دوره پسابگزیت تضعیف خواهد شد و ستون انگلوساکسون سیاست خارجی لندن تقویت می‌شود. به زعم سیاستمداران انگلیسی چاره‌ای جز افزایش پیوندهای سیاسی، امنیتی با آمریکا وجود ندارد. با این حال آمریکای ترامپ و انگلیس در همه حوزه‌ها دارای دیدگاه‌های یکسان نیستند. مثلاً در حوزه غرب آسیا، برجام یا در مورد نوع نگاه به رقبای بین‌المللی مانند چین و روسیه لندن و واشنگتن دیدگاه‌های یکسانی ندارند.

## ■ رای به خروج

همان طور که گفته شد در ۲۳ ژوئن سال ۲۰۱۶ (۳ تیر ۱۳۹۵) در بریتانیا، یک همه‌پرسی درباره ادامه عضویت انگلیس در اتحادیه اروپا برگزار شد که در آن ۱۷،۴ میلیون نفر (۵۱،۹ درصد رأی‌دهندگان) به خروج و ۱۶،۱ میلیون نفر (۴۸،۱ درصد) به ماندن رأی دادند. در ولز بیش از ۵۲ درصد رای‌دهندگان رای به خروج دادند. اما در اسکاتلند و ایرلند شمالی شرایط متفاوت بود و به ترتیب ۴۴ درصد و ۳۸ درصد شرکت‌کنندگان رای به خروج داده بودند و اکثریت آراء متعلق به موافقان ماندن در اتحادیه اروپا بود اما مجموعاً رای همه کشور به خروج بود. ترزا می، نخست وزیر وقت در اکتبر ۲۰۱۶ گفت: تا پایان مارس ۲۰۱۷ میلادی، ماده ۵۰ پیمان لیسبون را فعال می‌کند و انگلیس را تا پایان مارس ۲۰۱۹ از اتحادیه اروپا خارج می‌کند. در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷ میلادی، دیوان عالی انگلیس، یک رای جنجالی صادر کرد که به موجب آن، دولت ترزا می برای فعال‌سازی ماده ۵۰ پیمان لیسبون، باید رأی موافق مجلس عوام بریتانیا را نیز به دست آورد. به دنبال صدور رأی دیوان عالی انگلیس دولت ترزا می نیز در روز پنجشنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۱۷ میلادی لایحه آغاز فرایند خروج از اتحادیه اروپا را به مجلس عوام ارائه کرد. نمایندگان مجلس عوام انگلیس نیز در ۸ فوریه ۲۰۱۷ میلادی با ۴۹۴ رأی موافق در برابر ۱۲۲ رأی مخالف، لایحه فعال‌سازی ماده ۵۰ پیمان لیسبون را تصویب کردند. دیوید دیویس، وزیر برگزیت دولت ترزا می، بلافاصله پس از رأی مثبت مجلس عوام، از آن به عنوان یک «رأی تاریخی» یاد کرد. در نهایت انگلیس روز جمعه ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰، رسماً از اتحادیه اروپا خارج شد. در دوران گذار پس‌اخراج که فعلاً تا آخر سال جاری میلادی مقرر شده است انگلیس همچنان در بازار داخلی اتحادیه اروپا و اتحادیه گمرکی باقی خواهد ماند. در این دوره زمانی، طرفین باید به خصوص درباره یک توافق تجاری با هم به نتیجه برسند. این امکان وجود دارد که تاریخ این مذاکرات به مدت یک سال دیگر تمدید شود. البته تا به حال لندن شددبا با این مسئله مخالفت کرده است.

## ■ پیامدهای خروج

هرچند با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این اتحادیه ۱۸ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۱۳ درصد از جمعیت را از دست می‌دهند، ولی پیامدهای اقتصادی-تجاری آن برای بریتانیا هم در تجارت با کشورهای اروپایی و هم کشورهای ثالث و به خصوص در سازمان جهانی

تجارت سنگین تر خواهد بود. کاهش ارزش ۱۲ درصدی پوند در برابر دلار و ۱۰ درصدی در برابر یورو، افزایش هزینه واردات و متعاقب آن افزایش قیمت کالاها و مشکلات تجاری با WTO از فردای خروج این کشور از اتحادیه اروپا، از جمله مهمترین چالش ها و تهدیداتی است که برای بریتانیا ذکر می‌شود.

### ■ ناتوانی انگلیس و اروپا برای دستیابی به توافق خروج

مذاکرات بین انگلیس و اتحادیه اروپا برای خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، پس از همه پرسی عضویت انگلیس در اتحادیه اروپا در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶، کماکان ادامه دارد. دوره مذاکرات در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۱۷ آغاز شد، زمانی که انگلستان توافقنامه خروج را مطابق ماده ۵۰ پیمان اتحادیه اروپا ابلاغ کرد. تحت مهلت دو ساله مندرج ماده ۵۰، این دوره در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۱۹ باید به پایان می‌رسید. در روز ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷، دیوید دیویس، وزیر وقت برگزیت، در بروکسل وارد مذاکره با میشل بارنی، معاون مذاکره کننده ارشد کمیسیون اروپا شد. مذاکرات در مورد توافقنامه خروج (که شامل یک دوره انتقالی و یک طرح کلی از اهداف برای رابطه آینده بین انگلیس و اتحادیه اروپا) در ماه نوامبر ۲۰۱۸ به پایان رسید و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که مذاکرات بیشتر امکان پذیر خواهد بود.

با وجود اینکه انگلیس قرار بود ۲۹ مارس ۲۰۱۹ (۹ فروردین ۱۳۹۸) اتحادیه اروپا را ترک کند؛ ولی این تاریخ سه بار به تعویق افتاده است. اتحادیه اروپا ۱۰ آوریل ۲۰۱۹ مهلت بریتانیا برای خروج را تا ۳۱ اکتبر (۹ آبان) تمدید کرد و سپس با درخواست مجدد دولت بریتانیا، این تاریخ برای سه ماه دیگر، یعنی تا ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ (یازدهم بهمن ۱۳۹۸) به تعویق افتاد. طبق این توافقنامه، پس از خروج یک دوره تقریباً یک ساله «گذار» (تا پایان سال ۲۰۲۰) آغاز می‌شود که در آن وضعیت فعلی روابط تجاری حفظ می‌شود تا دو طرف بتوانند درباره امضای یک پیمان تجارت آزاد مذاکره کنند. دو طرف در کنار توافقنامه خروج، یک «بیانیه سیاسی» مشترک هم امضا کرده‌اند از نظر حقوقی الزام آور نیست و هدفش اعلام خواسته‌های دو طرف در روابطشان پس از برگزیت است.

### ■ حمایت ترامپ از جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا

دونالد ترامپ در گفتگوی خود با روزنامه تایمز، ضمن استقبال از رای مردم انگلیس به برگزیت، پیش‌بینی کرد که به دنبال بریتانیا سایر کشورهای اروپایی نیز از اتحادیه اروپا خارج خواهند شد. وی رای انگلیسی‌ها برای ترک اتحادیه اروپا را «اقدامی بزرگ و هوشمندانه» توصیف کرد و گفت که به دنبال ارائه یک پیشنهاد منصفانه آزاد تجاری به انگلیس به دنبال خروج این کشور از اتحادیه اروپا است. انتخاب ترامپ روابط فراتلانتیکی اتحادیه اروپا را با چالش‌های بیشتری مواجه ساخت. بعد از اینکه ترامپ در کاخ سفید مستقر شد، بیشترین تلاش خود را انجام داد تا همفکرانش در اروپا بر سر کار بیایند تا بتوانند راحت‌تر سیاست‌های اقتصادی خود را پیش ببرند.

بر همین اساس، انگلیس یا برادر دوقلوی آمریکا در سیاست جهانی بهترین گزینه نخست ترامپ برای اعمال سیاست‌هایش در اروپا بود. وی از همان ابتدا اعلام کرد از طرح برگزیت این کشور برای خروج از اتحادیه اروپا حمایت می‌کند. از طرفی، محافظه‌کاران انگلیس به رهبری ترزا می نتوانستند کاری برای خروج آبرومندان از اتحادیه اروپا کنند و نخست‌وزیر این کشور بعد از چند بار کش و قوس فراوان در مجلس نمایندگان انگلیس و بن‌بست برگزیت از سمتش استعفا داد. این بهترین خبر برای ترامپ و تیم سیاست‌ خارجی وی به سرکردگی جان بولتون بود. ترامپ بهترین گزینه برای نخست‌وزیری آینده انگلیس را «بوریس جانسون» می‌داند. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در آستانه سفر (۱۳۹۸/۳/۱۲) خود به لندن گفت که انگلیس باید بدون توافق از اتحادیه اروپا خارج شود چون برگزیت با توافق برای این کشور هزینه مالی زیادی دارد. این دومین بار بود که رئیس جمهوری آمریکا درباره سیاست داخلی انگلیس اظهار نظر می‌کرد. او روز (۱۳۹۸/۳/۹) نیز گفته بود ترجیح می‌دهد بوریس جانسون، وزیر خارجه پیشین انگلیس به رهبری حزب محافظه‌کار این کشور دست یابد. وی در گفتگو با روزنامه سان گفته بود که بوریس جانسون کارش را خوب انجام خواهد داد.<sup>۱</sup> در پی انتخابات داخلی حزب محافظه‌کار که پس از استعفای ترزا می از نخست‌وزیری صورت گرفت، بوریس جانسون در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۹ با اکثریت آرای اعضای حزب محافظه‌کار انگلیس و در رقابت با جرمی هانت، به پیروزی دست یافت و به عنوان نخست‌وزیر این کشور انتخاب شد. بوریس جانسون، همیشه طرفدار خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) بود و پس از رسیدن به نخست‌وزیری این هدف را به سرانجام رساند. ترامپ از ماه‌ها پیش از برگزاری همه‌پرسی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا مدافع برگزیت بوده است و هیچ‌گاه نگرش منفی خود را نسبت به نهادهای فراملی چون اتحادیه اروپا مخفی نکرده است. بعد از رأی مثبت مردم انگلستان به همه‌پرسی خروج نیز، ترامپ طرفداران کمپین خروج را در کنار طرفداران کمپین انتخاباتی خود، به دلیل انتخاب گزینه تقویت حاکمیت ملی ستوده است. در این چارچوب، ترامپ همواره وعده داده است که پس از خروج، انگلستان در اولویت انعقاد پیمان تجاری دوجانبه با آمریکا قرار خواهد گرفت.

۱ - یورونیوز، ۲۰۱۹/۶/۲.

## ■ تلاش انگلیس برای امضای موافقت تجارت آزاد

انگلستان انعقاد پیمان تجاری دوجانبه با آمریکا را در اولویت‌های راهبردی خود قرار داده است. هدف اول رهبران پسا برگزیت انگلستان، نشان دادن تعهد این کشور به تجارت آزاد است. وزارت جدید تجارت بین‌الملل انگلستان در این راستا، کارگروه‌هایی را برای ایجاد ترتیبات جدید تجاری با کشورهای استرالیا، نیوزیلند، نروژ، هند، کره، چین و همچنین شورای همکاری خلیج فارس تشکیل داده است. هدف دوم انگلستان، نشان دادن امکان بهره‌مندی انگلستان از جایگزین‌های تجاری همچون آمریکا است تا در روند مذاکرات خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، موقعیت این کشور را تقویت کند. هدف مهم دیگر رهبران انگلستان نیز کاهش پیامدهای منفی اقتصادی در دوران پسابزرگزیت و کاهش عدم قطعیت در سپهر اقتصادی این کشور بوده است. انگلستان با بزرگ‌ترین کسری تراز تجاری خود پس از جنگ جهانی دوم مواجه است و پوند نیز از زمان همه‌پرسی خروج تاکنون، ۲۰ درصد ارزش خود را از دست داده است. شاید مهم‌ترین مانع به سرانجام رساندن یک پیمان تجاری سودمند با آمریکا برای انگلستان، قرار گرفتن این کشور در موقعیت ضعف پسابزرگزیت است. چالش بعدی، زمان‌بر بودن نهایی شدن و اجرایی شدن پیمان تجاری دوجانبه است. بر اساس تعهدات پیمان اتحادیه اروپا، هرگونه توافق تجاری با کشور ثالث، تنها بعد از خروج کامل کشورهای عضو از اتحادیه اروپا ممکن است که حداقل دو سال زمان می‌برد. در این چارچوب، تنها، مذاکرات غیررسمی آمریکا و انگلستان در خصوص پیمان تجاری امکان‌پذیر خواهد بود. در ضمن این پیمان باید به تأیید کنگره آمریکا نیز برسد و تجربه بیست معاهده دوجانبه پیشین آمریکا نشان می‌دهد که به‌طور متوسط زمان تصویب چنین پیمان‌هایی در کنگره، سه سال و نیم بوده است.

## ■ گرایش انگلیس به همکاری با آمریکا و کاهش پیوندهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی با اتحادیه اروپا

\* روابط اقتصادی: ترامپ از ماه‌ها پیش از برگزاری همه‌پرسی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا مدافع برگزیت بوده است و هیچ‌گاه نگرش منفی خود را نسبت به نهادهای فراملی چون اتحادیه اروپا مخفی نکرده است. ترامپ همواره وعده داده است که پس از خروج، انگلستان در اولویت انعقاد پیمان تجاری دوجانبه با آمریکا قرار خواهد گرفت.

در سال ۲۰۱۴، انگلستان بیش از ۲۳۱ میلیارد دلار به کشورهای عضو اتحادیه اروپا کالا صادر کرده است که بیش از ۵۵ درصد کل صادرات این کشور را شامل می‌شده است. در همین سال انگلستان بیش از ۵۴ میلیارد دلار کالا به آمریکا صادر کرده است که ۱۳ درصد از کل صادرات این کشور را دربرمی‌گرفته است. بر اساس این آمار، صادرات انگلستان به آمریکا تقریباً یک‌چهارم صادرات این کشور به اتحادیه اروپا بوده است.

برای آمریکا نیز انگلستان شریک تجاری کوچکی محسوب می‌شود. در روابط تجاری آمریکا با ۴۳ اقتصاد بزرگ دنیا، سهم صادرات به انگلستان، تنها نزدیک به ۵ درصد است حال آنکه سهم بقیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا نزدیک به ۲۱ درصد است.

با توجه به پیامدهای خسارت‌بار برای اقتصاد بریتانیا و اتحادیه اروپا، ناظران سیاسی و اقتصادی تأکید دارند خروج با توافق سبب می‌شود لندن در یک پروسه تعیین شده و دوره گذار چند ساله، پیوندهای اقتصادی و تجاریش با اتحادیه اروپا و دیگر کشورها را قطع کند و در این مسیر با حداقل خسارت‌ها مواجه شود؛ هرچند که تحلیل‌های ناظران اقتصادی و سیاسی نشان داده است که برگزیت برای بریتانیا، سرانجام خوشی نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

\* سیاست خارجی: نخست وزیر «بوریس جانسون» از حزب محافظه کار بیشتر از آنکه به اتحادیه اروپا متمایل باشد به آمریکا تمایل دارد. این نکته نشان می‌دهد پایه اروپایی سیاست خارجی انگلیس در دوره پسابزرگزیت تضعیف خواهد شد. یکی دیگر از این تغییرات تقویت ستون انگلو ساکسون خواهد بود که قابل پیش‌بینی است. البته آسیب‌های برگزیت بر نقش انگلیس به عنوان پلی میان آمریکا و اروپا را نباید از نظر دور داشت و نقش انگلیس در این حوزه برای آمریکا هم کاهش خواهد یافت. اما شکی نیست که انگلیس چاره‌ای جز افزایش پیوندهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی با آمریکا نخواهد داشت. با این حال آمریکای ترامپ و انگلیس در همه حوزه‌ها دارای دیدگاه‌های یکسان نیستند. مثلاً در حوزه غرب آسیا و یا برجام نقطه نظرات متفاوتی دارند و یا در مورد نوع نگاه به رقابای بین‌المللی مانند چین و روسیه دیدگاه‌های یکسانی ندارند.

مسئله دیگر گفتمان «اول آمریکا» توسط دولت ترامپ است. یعنی منافع آمریکا در اولویت دولت ترامپ قرار دارد و اگر انگلیس فکر می‌کند که دوره پسابزرگزیت می‌تواند بخشی از آن خلاءهای راهبردی خود را از طریق آمریکا پر کند احتمالاً دچار اشتباه شده است زیرا آمریکا به خصوص آمریکای عصر ترامپ، آمریکای قابل اعتمادی نیست.

<sup>۱</sup> - «پیامدهای اقتصادی برگزیت دامن کدام کشورها را می‌گیرد؟»، اپرنا، ۱۳۹۸/۵/۱۱.

برداشت فعلی لندن از آینده بسیار خیال‌پردازانه است. دکترین «انگلیسی جهانی»، امروزه اصل محوری سیاست خارجی انگلیس است و بر آن تاکید نیز می‌شود. در این دکترین تلاش می‌شود انگلیس به رهبر تجارت آزاد جهانی تبدیل شود و با استفاده از فرصت خروج نقش جدیدی در جهان برای لندن ایجاد شود. انگلیس می‌خواهند در حوزه ژئوپلتیک و در حوزه ژئو اکونومیک نقش آفرینی کند و می‌خواهد رهبر تجارت جهانی باشد و از سوی دیگر تلاش می‌کند تا نقش خود را در دستورات امنیتی نظام بین‌الملل ارتقا دهد. دولت محافظه کار جانسون معتقد است انگلیس به لحاظ تجاری کشوری چابک است و رها از ساختارهای پیر و خسته اروپاست. دکترین «انگلیسی جهانی» بیش از آنکه واقع‌بینانه باشد تنها منعکس کننده نوستالژی سال‌های دور انگلیس در عرصه جهانی است، آرزویی که کارشناسان تحقق آن را ممکن نمی‌دانند.

**\*روابط تجاری و نظامی و امنیتی با غرب آسیا:** گسترش روابط ویژه تجاری و نظامی با کشورهای حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی از اهمیت زیادی برای انگلیس برخوردار خواهد بود که شواهد آن را تایید می‌کند مثلاً در سه ماه آوریل تا ژوئن ۲۰۱۶ انگلیس ۶۵ میلیارد پوند به رژیم صهیونیستی تسلیحات فروخته است. در حالی که در کل سال ۲۰۱۵ این حجم ۹/۵ میلیون دلار بوده است. این احتمال نیز وجود دارد که انگلیس در صورت رفتن آمریکا به حوزه پاسفیک به دنبال آن است که خلاء موجود در غرب آسیا را پر کند. انگلیسی‌ها صادرات اسلحه را با موضوع درگیر شدن با تحولات جهانی توجیه می‌کنند و اینکه می‌خواهند در پویش‌های جهانی مشارکت داشته باشند که با تضعیف هنجارهای اروپایی در حوزه قراردادهای تجاری از جمله صادرات اسلحه دست آنها بازتر می‌شود. از سوی دیگر اروپا اقدامات اخیر اروپا و آمریکا را کاملاً درک می‌کنند زیرا با آمریکایی مواجه است که دیگر مایل نیست مانند گذشته چتر امنیتی خود را بر اروپا بگستراند و آمریکا برای اروپائیان قابل اعتماد نیست.<sup>۱</sup>

### ■ کلام آخر

اتحادیه اروپا برای انگلیس درجه‌ای از رفاه را به ارمغان آورد اما باعث شد لندن بخشی از حاکمیت خود را واگذار کند. با این حال اتحادیه اروپا یک نهاد انعطاف پذیر نبود که انگلیس بتواند در آن جاه طلبی‌های خود را عملی کند. جامعه انگلیس در نهایت دو پاره شد، میان کسانی که رفاهی تجربه نکرده بودند و با از دست رفتن هر میزان از حاکمیت انگلیس خشمگین می‌شدند و کسانی که رفاه را تجربه کرده بودند و حاکمیت سیاسی برایشان چندان اهمیتی نداشت. این موضوع آسیبی جدی به ثبات سیاسی انگلیس زد و در نهایت منجر به طرح برگزیت در سپهر سیاسی این کشور شد. هم اکنون انگلیس با طرح برگزیت به دنبال نزدیک شدن به آمریکا و تقویت روابط نظامی، اطلاعاتی و امنیتی با مستعمره نشینان سابق (آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند) است. با تکمیل پروژه برگزیت ما شاهد چرخش هر چه بیشتر انگلیس به سمت آمریکا و دور شدن لندن از پایتخت‌های اروپایی خواهیم بود. کارشناسان بر این باورند این مسئله بیشتر برای دولت انگلیس تهدید می‌باشد تا فرصت. انگلیس با نخست وزیر بوریس جانسون به دنبال همگرایی با آمریکای ترامپ در آن سوی آتلانتیک است. اگر ترامپ در ۲۰۲۰ رای نیاورد همه باورها و آرمان‌های جانسون نابود شده و انگلیس در موضع ضعف قرار می‌گیرد و مجبور به توافق دوباره با اتحادیه اروپا می‌شود. از سوی دیگر اگر در انتخابات ۲۰۲۰ ترامپ رای بیاورد به نظر می‌رسد با توجه به تشدید جنگ تجاری میان آمریکا و چین و تشدید کسری تراز تجاری آمریکا که چیزی حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است اساساً ترامپ و کابینه‌اش توان حمایت از برگزیت و شخص جانسون را نخواهد داشت. بنابراین احتمال اینکه ترامپ، دولت انگلیس را وجه المصلحه خود با اتحادیه اروپا قرار دهد هم وجود دارد.

<sup>۱</sup> - «تأثیرات و پیامدهای برگزیت بر انگلیس و اتحادیه اروپا»، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶/۷/۴